

فراراده، هدیه سروزده و همراه سبورزوای و هم درسادی سخا بورزوای فراراده، ما این خردیده سبورزوای را بطور م Genius در سعاد وحدت سبورزوای در سری مکنیک اساسی را بوسیده دسته دارم که اصولاً وحدت این خرد سبورزوای و سبورزوای در خط سیم میانی سحلیل ماست. (زندگان شماره ۲ هفدهم تا کنداد زمامت).

غشکردرسها مانندی که در کشورهای تحت سلطنه و شتاب رورا فراخون؟ نه سرای گست سودوق احصای ری
سبب شدید تشدید محکمیت اینها روشی نیست در این کشورها میگردند که این مردموشنر که بسیار کوشش میکنند و دی
خودی این کشورها باعث اینکه نجات نشانند این شرایط میگردد که کشورهای تحت سلطنه اینها را خواست
سرماوهدهای ری و استهنهای بزرگ همچنان تهدید دهندهای سیاست خود را میتوانند این محدود
میگردند

پس از هرچیز بکوشید که چنین شیوه برخور و تخلی
می‌نماید بطور کلی ساده است و آنکارا غیردعا لکن کسی
است، از جراحت شنیده، تخلیل دیالکتیکی می‌نماید بربریستی
نهاده شده بپذیرد و دیدن ارتباط متفاصل پذیرد مورد
بربریستی ساده بپذیرد که از ایکوسونیزرا و زیاسی بپذیرد
در حرکت و پرسوه نگاهی آن است. بدینه است که
تخلیل حرکت جا مده و مطقات نیز نمی‌تواند از این
فاقد استثنی باشد. اگر "ررمدگان" معتقد است که
خرده بورزوای مرده سنتی در وحدت و خداگزاری تبعیم
بهاشند فطری است، اینکه این امر را می‌دانند

مکردر طول زمان و پیروزه سکا ملی حامیه ما این شرایط
دچار دگرگوشی شده و نمیشود؟! لئن "رمدگان" در
موربدخی از این سنوالات (اوتا بدمترشان) با هم
هاشی داده است، اما کما کان با سهی شی اتفاقی،
میهم و دیپلهو (که سعداً سه آسیها خواه هم برداخت) اما
چیزی که در حال حاضر همیشه سه امر این بیشتری دارد و
مسئله کلیدی برای شناخت دید "رمدگان" نسبت به
خود سوزرواژی است: میمای مطلب "رمدگان"
است، برآسان این میمی، خود سوزرواژی مرده سمعی
(که اینسته بعد از درخشش رزمدگان نتیجه شد) و خود سوزرواژی سمعی در کل منشود (سوزرواژی در حفظ
رسیتمندی سمعی سرمه بهداری و اینسته میرا لسمی
و حدت دارد، اما معمون این وحدت سرای حفظ سمعی
چگونه است؟ "رمدگان" ممکن است؟

"نه ما بخوبی میدانیم که سوزرواژی اسرار الها جواهان
حفظ سیستم سرمه بهداری و اینسته درجها جوب رود
- های عمومی و ماسه زمان ساه همیشید، سهی این
این تفاوت که سخواه سند هم سنتری از سار
نولیدرس ماسه دار اسران صورت پذیرد و آن عارض
کریهای آشکار رونویخه دور نهاد که هی سا میمه
و در اسکال آسروندمیری! اداده ماسه از رصدگان
شماره ۲۰ صفحه ۲۴ با کدرا میباشد.

تئورى رزمندگان در مورد ساخت جامعه و ارزیابی از خرده بورژوازی

مادر مقاومتی قبیل در میمه بیکار ۶۲ سهوری
زمندگان^۱ در مرد ساخت جام و چکویی غلبه شد
استقرار سرمه بیداری در ایران را مختصر اموزد رسی
انتقادی قرار دادیم. در اینجا نخست از زبانی
زمندگان^۱ از موقعيت و مواضع خرد سوزنی از در جامعه
سرمه بیداری و استئنبر میتسی شوری شبه سرو و سکسی
آشان تقابل از قبایل ایرانی مرا موزد رسی قرار مصدیم و در
ادامه آن به پر خود آشان به وضیعت سپاسی و مواضع
نمیروهای سپاسی - اجتماعی نجت شرایط حاصل (بیس
ز قبایل) میپردازیم.

دیدگاه انحرافی "رزمندگان" نسبت به چونکی استقرار سرمایه‌داری و استندهای ایران، مکانیسم این ساخت و نشیت و استنکی در آن دستمزد اموال خود را در زمانی از روابط طبقات اقتصادی مختلف جای مدهاد رتبه طبقه ای باشد سرمایه‌داری و استنکه وصف بندی اسقلاب و ضد اسقلاب تعمیق کشته و گرا بیانات شروعنگیستی این رفاقتها با وجود بیشتری نمایان میگردد.

دیدیم که "زمینگان" گرچه زر سما بهداری و استه
و "خبور" را نیک امیریا لیسم "محبت میکندا ما اساسا
ما خات افتمادی - اجتماعی ایران را همسرا بهداری
واسته که سما بهداری مستقل می بینند و در کجا ز
عقلکردرس مایه مالی امیریا لیستی و بنایج ای-سین
عقلکردرس اخت سرما بهداری ایران دارند اجهاد
نا حق و انجوافی است وازا من و عجب نیست که
رزیبا اش از روابط طبقاتی تا نادرست ولزوما
ستنتا جات سیاسی اش نیز اینجا فی سانده.

مادر ضعیمه بیکار ۶۲ از زیارت رزم‌مندان از طبقه
بورزوایی ایران در ساخت سرمایه‌داری و استیضاحی
بزرگ‌باشگی کل این طبقه‌ها میرزا لیم (با همسان
مله‌همی که رزم‌مندان از باشگی دارد) مختاران خورد
کردند. در پنجاه از زیارت "رزم‌مندان" ۱۳ موقوفه
اعتمادی - اختهادی و عش اشاره‌خانه خود بورزوایی
را از انسلاط دمکراتیک خا ضرورت بررسی نسرا
نمیدهیم.

در حقیقت بخورد "رزمدگان" به خود بورزوای شنیده تماشی از آن انحرافات "چپی" است که نیلا شمه‌ای از تراسازکوکردیمولی سرا برای اینکه نشانه به قابی نشانه باشد، بیستیم خود را در فنا چه مکوسید:

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراشته قرسازیم

طبیو سو-فناهمهای احتمالی را بکمیریم، وقتی مکوکشم
سرما به مالی امیرپارسیستی نوشت سعین کنده‌ای در
بن ساخت داشته و سمتگری البیگ راش مالی ذاتی این
ساخت است البته معنی این نیست که نوش بورزویاری
خود این گشتوار عما زکمیرادر دور، متوسط و با کوچک را
(علیرغم تفاوتها شان در همان سرما به وکیلیتی
واستگی آنها به امیرپارسیستی (در) استنما رو بهره‌کشی
زکارگران و رحمندان نادیده بکمیریم و در متن این
ستم و غارت سرما به مالی کوچکترین جای برای سه
خواه ارسورزویاری در کل و با خشی از آن باقی کدایم
بلکه هدف نشان دادن آن تعاشر مهم است که بخارط
چکوکی استقرار سرما به داری در این گشتوارهای
از چکوکی عملکرد سرما به مالی در این ساخت و تابعیت
آن در روابط طبقاتی و آرا شناسروها، میان سرما به
داری و استنما سرما به داری امیرپارسیستی موجود
نمی‌باشد، تنایزی که سبب تفاوت صفتی بندی طبقاتی و از
بنزور محلة نقلاب در گشتوارهای ساخت سرما به
داری و استنما سرما به داری امیرپارسیستی میگردد.
به بحث مان بازگردیدم. دیدیم که استنما رو بهره
کشی می‌باشد سرما به مالی امیرپارسیستی و سرما به
تحمای را و استنما و شنیده‌یی مخصوص سمتگری البیگ راش
مالی و بسط ارتقا همه جهانی سهی سرای طبقاتی ایجاد
نمیکند که در این طبقه ای این شرایط و مقابله بسانان
بوزرسونی بوجود می‌آید. در این شرایط حتی بورزویاری
متوسط و گوچک شیزبا عنای رشادشان با سلطه سرمایه‌های
امیرپارسیستی و اتحادیه روسیه کشی از کارگران و
حیضکشان و از سوسی دیگرها طرور حشمت از نقلاب و اوج
کمربی دشیت شوده‌ای و تابودی مناسبات موجود دست
جهان اعترافات و انتقاداتی میزستند. اینان در عین حال
حال ملین انتوی لیبرالی نیز هستند. ما انتوی انان
چگونه است؟ بورزویاری لیبرال عموماً و روش فکری ن
بوزرسونی لیبرال خودها نیز تو اند در راه ایجاد و قانونیت
شوده‌ها می‌ترسند از ارتقا همچنین فخریت آر و
غیره قابل تصور لیبرالیستی می‌باشد و توان انتوی
فردا و انش از همین حاست. سچشمده آن رشته اینها در
دیپلموشنی دروغ تزویی و خودهایی جهونا شاهد در
 تمام سیاست لیبرالها دیده می‌شود زا پنجاه است آنها
غیره قابل تصور لیبرالیستی می‌باشد و توان انتوی
بمحوره‌ندی از دموکرایی را پیشنهاد می‌دانند
شوده‌ها را بسوی خود جلب کنند. و حال آنکه ملاضد
می‌گذرند که ملنا جنبش شوده‌ها، باید ایجاد آنها
با استکارهای وبا لاغریهای شبهه همچنین همچو
علی "کذب مانی ما را کن دریا ره کی از جنبش های
شوده‌ای اروپا در فرقن گذشته اطها رکرد خوشنود دارد.
توبی لیبرالیستی انتوی ساتواشی در کارزاری ای سیاست
روسیه و توبی بول پرستی حریصانه است که ما باید
شنبای زات را "بطور سالست آمیز" با پورنکوچی
بخوان با اتحادهای را اینجا رات و ما جای سرمایه‌های اتحادهای
را باسته (تفصیل کنند و ممکن است این شعبان شریف را بشه
عنوان شنوری بپرسی) "ما لست آمیز" دموکراسی روس
و انساندو می‌سازد. انتوی لیبرالیستی تخلیه است در راه
پیشگاهی بکردنا تا پرسپورت شکوچی (و در مردم جواع
سرما به داری و استنما امیرپارسیستی می‌باشد از

سودکمتری نصیبتاً ن شود. از مسوی دیگر شغیرها لکسوسی
عصر در جو اخوا ن تحت سلطه مطابق مقنعتاً کا لامهای
صادراست امیریا لبستی و صنایع وا بسته و ایجاد
با زارعصف عنان گشته که قسمت اعظم تیا زهای
آش کا لامهای امیریا لبستی و صنایع وا بسته تا مین
میکند و اخذاست واردانی برآس منا فتنی
امیریا لبستی و اصحاب رات وا بسته سب میگردکه
بیویز خوده متولید کنندگان زیرفتارهای شدیدنا شی
از این امر قرارگرفته و قد بقدم دو معقر طحروور نکنگی
قسرار گرفته و سوی سا بودی حرکت کنند. مجموعه
این عوامل سب ایجا آذجنا شرایطی میگردکه
بدون وجود یکتا نوری عربان و خشن وا سفنا ده ازما می
امرا رهای سرکوب، حفظ شرایط لازم برای سودا وری
سرمهای های امیریا لبستی و سرما به اتحادی و ایجاد
غیر ممکن گشته و را زینروا رنجاع سیاسی همه جانبه
و دیکتا توری عربان جز لازم ده است این ساخت می
گردد و بینویه خوده ناشی ازسته ده های مردم که
نشی ازسته فرا زینده سیاسی و فشارهای جاده انتصاراتی
و چوچول آنان توسط سرما به است، دامن سوزن (ناکنده
نگدا زیرم که خوده "زمندگان" نیز نویعی به این مسائل
بیویز دزرنده نشان شرایطی میگردکه ایجا آذجنا
جه بطرورنا حق و سب نیمه گیری شادرست (مشار و تهدید ای
که برسوردید بیویز دزرندا زینروا زینروا خرده
بورزوای مرغه سنتی زکار گران و زحمکننا (او زینروا
سرما سب ایجا رکمترانه زکار گران و زحمکننا (او زینروا
اور رودروری ساخت سرما به ده ای و ایجاده قدرت
سیاسی حافظ آن قرار میدهد.

بنارس از آنچه شنیده بورزوای مرغی
ستی و بورزوایی (از جمله سوژه‌السیر ایها) بر حفظ
سیستم و دست داشت، ما کاملاً حق داریم بگوییم که
خود بورزوای مرغه سنتی سربرسا سان تحیلی "زمندگان"
خواهان خط سیستم را بعذاری واسته درجا رجوی
روش‌های عمومی و مناسب زمان شاه می‌باشد. چراکه
خود بورزوای مرغه سنتی بنای موقعيت اقتصادیش
و... اصولاً با سرمایه داری و استه بهمراه ایسیمی
بورزوایی و استه در شرایط ایران در تضاد و خود است.
قرارداده... اصولاً و دسته این خود بورزوایی و
بورزوایی در حفظ سیستم مبنای تحیلی زمندگان
است. لیکن مبنای تحیلی "زمندگان" شکال کوچکی!
داردوان آن اینکه مکلی تاریخ است و تحریف ای است و خود
این انتراف چنانکه بدعا نشان خواهیم داد مبتنی بر
درگ شادرست "زمندگان" آزمکا نیمسرما پسیده داری
و استه است.

همانطور که قبلاً شنیده‌گتم غایل شدن شوه توپید
سرما پیدا ری و استه در جامعه مالا سایسا به مقتضیات
نویشا زهای سرمایه مالی امیریا لیستی و سرمایه
نهاده ری و استه بود. ما این نیازهای کدامند؟ همکی
این مقتضیات بجز عزل نیاز اساسی سرمایه مالی بعنی
کمک سودجوی انسحابی مکل میگیرند و اعلاً صدور
جهود مالیه زیرا زیرا امیریا لیسته بهمراه کوچکی
این مکلوشی بهمنی زرمایه مالی است. همانرا پسین
مکل مکدوه را خواهد کرد و درجهت کمب سود
هرچوی انسحابی سیم ملی و طبقاً شی، علمی مسلطه امیریا لیستی
درگ شادرست و استه بود که میگردد که
دایان چیزی نیست مکریه‌کشی و فشار چندلایی کشیده
با پیغایی چندلایی و فشرنا روا عمال ستم امیریا لیستی
پیغایی و شرکه‌گردیده همچویا قیمت‌داده است. یکی از این
مکلوهه های مکدوه را متنقل داد و موسی و قله بحرا نهای جوای مسیح
امیریا لیستی به کشورهای تحت سلطه ای زجله‌جهانه
نمی‌باشد. پیش عدمه ای از پیوهای اقتصادی امیریا لیستی
که مکلوهه های مکدوه را متنقل داد و مسیح
مکلوهه های مکدوه را متنقل داد و مسیح مکدوه را متنقل داد، رکابان
های متفاوت و مکل کوشاگون به جوای مع تحبت
سلطه ای زجله‌جهانه ای زیرا اکثرهای امیریا لیستی
بدون استه ای این بحرا نهای جوای مع تحبت سلطه ای
بدون استه ای این بحرا نهای جوای مع تحبت سلطه ای
امیریا لیستی که بحرا نهای جوای مع
امیریا لیستی شاد حدودی موتنا کا هش میدهند، مخصوصه
دست در چسبیده ای این بحرا نهای و شدیده دشاهی ای طبقاً شی
ماشی از آنها گرفته ای رخوا هندشدا این چیزی است که
امیریا لیسته به شدت آن بینشان کند. ای انتقال بحرا نهای
های اقتصادی جوای مع امیریا لیستی به کشورهای
تحت سلطه ای شدیده بحرا نهای جوای مع خود را خود داده
کشورهای شده و ای اینرا وابدا دگستردیده شری می‌باشد.
کترش ای بعداً بحرا نهای اقتصادی خودیه مهنتی
شندیده شرای اقتصادی و سکنیتی بینشان بای ببرد و ش
فترا رو طبقه ای مختف جا معموبیه و عمدتاً طبقه کارکر
وزحمکنن میگردد. لازمه هندکراست که همی بورزوایی
کوچک و متوسط بسیار از شنا این بحرا نهای اقتصادی
در ایام نیستند، ولی چون در این سیستم ای مکان این
راداره ای دنده که بخش مدهای ای از این فشاره را باطلاق
مختلف بدوش طبقه کارگر و حمکنن شهروروست
بسیار دندن میشوند و در حقیقت باید گفت که مکدوه داده
بحرا نهای که ای میگردد داده
بسیار دندن میشوند و در حقیقت باید گفت که مکدوه داده

پیکار

٣ صفحه

مهم مادر سردار سکلهاي محلب ادا مدها .
اور ميدكان سار ۲۰ صفحه ۴۲ .
بسار خوب رفعا اكرسما سراسى معمدكى
خرنده سورزا زى (وار حمله خرد سوزرا زى سى مرد
كىتمسا سندكى آسرآ است الله جهنى و سر وان او داسى
شاتىلىخ فروا وان طعمضا روسمن سرمها های سرگ و
تحصا ريراجشده سود "روحجان سرو جهنى سپاس
به امير ساليم سلطنه آن در ايران اعتراف سکرده در
حال سکه سورزا زى لمبرال "غاست مطلوب خود را در
سرما به کلان مديد "يس جکونه سباتی تحليل خود را

واسمد سختی ار آن سطوف سوروزواری و سخن دسکر
به سمت برو لارسا کشیده است. (همایا)
و دس سریب لاههای مرغه خوده سوروزواری سپی
مکرها ددد موکرا سیم هر جدسا شکر خوا هدسد! این سهی
ورز مردکان اس را آشکار ایسا نمیگرد و سطور الغاطی
شکر دیر حملاتی از قبیل "... رند و سو مسنه
محرار ای و فرا این سی حساب حقوق و امتیازات آسها
یعنی افراد ایس بارفدا راشی از رقات سرگرد هر ده
وروزداری در کار رتفع و حمور فرجه سیمتر امیرالاسیم
و عرصه های مختلف حیات اقتصادی و اجتماعی ای ای.

احصاری و اسسه [غالب امدوں ایک آمدودن مکہ آسہا ملعوب
سود، جدبا بدکردسا آسہا خردسودوں اسکددردی بر
آسہا عارض کردد] (دوا سوسی، منصب آنا ریک جلدی ،
صفحة ۲۶ - لنسن، ساکیددوخطی از ماست .

اما وضع خرد سوزواری متفاوت است، چرا
که حسی خرد سوزواری مردم سنتی **سوزری** فترهای
شیدی قرار را رادوا را سوزرگره سخا طراهمیس و
موقوفیت طبقاتی خویش بهمجهود نمی تواند خواهان
غیرپرست اساسی مورثی ساز بر وسایل پاشاد. لیکن در مجموع خواه طریق
نهادش با سلطنه و ستم امیری سیاستی و سرمایه های اسحاق را
وواسته و فشارهای یا دندنه در سالهای مادرکاری ایشان
شیدیها سپاهی خود در سراسر علیه سلطنه امیریا بیشتر
وسرما به های اسحاق را وابسته سوی فطی کار را بدده
می شود. منتهی از آنچه که اسحاق بدین طبقی سلطنه و ستم
امیریا بیشتر اسحاق را وابسته در جای معده ایشان
گروهون بودی سلطنه سرما به اس خرد سوزواری مردمی
ستی بدليل موقوفیت افتضادی و اجتماعی اش کشیده
شانه به شانه افتخاریا شنی طبقه سوزواری میباشد
ومدافعانه سرمایه و "مالکت" خوشی. مقدس "است" در

مولانا وحدت میان خردمند بورزا زیستی مرغه و
بورزا زی (واسنده همان نفهوم موردنظر خودتان) در خط میست میکارید؟ با اطرا وابین مطلب نشانه
بن نسبت که سلطه امیریا لیسم ویسا را بهتر
واستگی را خدا را سیستم وحدا زرسما سدا ری از زیبایی
میکنید؟ با این مطلب به معنی تندیده گرفتن مقنن
محوری و عینین کنیده سرمه به مالی امیریا لیستی در
بن سیستم وی اهمیت پنداد شن عملکرد سیستم بر
مسای سازها و مقننها را سرمایه مالی که اساساً س
واستگی حاصله ما را سکلول میدهد، سیستم؟ ادر این
مورث جراحت حاصله از سرمایه سدا ری و اینسته میداند
آن تربیدیون النقط و آشکار اسرمه به داری مستقبل
کلکلاسک با امیریا لیستی هر طور که ملاع بدآند (اعنمی
تو شد؟ آن چنین شوهه سرخودی در طرح نفعه سطرها و
بوشان آنها در هاله ای از اینها میسته این بیرون تو سیستم
میست؟ یکمیان ما که چنین است و با بر مطلب اطرا و ده
زطرف شما و چونکی اراده اینها (که بیک به بیک نشان
لو همداد ادیفه همراه شدیده بطری ما میکند.

عسی و استکی عصی و همه جانه ایران و سربردکی
زیم‌سیا می آن در مقابل امیریا لیسر و بهمن فتنه
حباب و انگیشه های میارز خرد و سوروزوازی - حتی بخش
رده آن - را بر علیه نظا محاکم فرا همیسا ورد .
رز مندگان شاره ۸ صفحه ۱۳۲

مقابل پیشترفت انتقلاب و تسبیر بینیا دی جا مقدمه را
گرفته و درصدیت با پرولتا ریا و متنابه پیرورزی کامل
انتقلاب کا ملا مادہ پیوسن سه صفحہ فدا انتقلاب می باشد
واقدیسی کے بعد زیبیا م پیمن ما و نتایج سما پی
آدھار پوضو شا هدآن هستیم که در رجا خود بسیدا
خواہیم ب داخت.

منتهی با شوری رزمندگان دریاره ساخت
هرما بدرا و ایستاده این خردبیور زوازی مرد بعده
ز غمبه و استقرنا رشیوه تولیدسرما بدرا دریاران و
دهمان سالهای ۴۱ با سیطره اصول جنیه وحدت آنها
هرما بدرا و ایستاده بیرونی سیم و سوزر زوازی نسبت
به همان دهان عمد مبوده و زا پندازه این آغاز متصد
نقلا می سوده است؟! اینهاین رازمندگان در منش
تحلیل المحتاط خود بین کند و مسأله شکارا به خود
"رزمندگان" مرآجعه کیمی:

”خواست عمومی و همیگی خرد بورزوای که همان رفع تغییرات و اتحاد را حاکم برمناسبات کالاشی و زایین رفتن احتمالی است که بمحابات افسادی و تحمیل میگردید. اموجب عنوان شنیدن افزایشی ترین شمارهای دموکراتیک گشته و در نتیجه وی را شدیدیل به داشتن ساخت فثودالبیس میباشد زدود رعین حال خرد بورزوای - منها می باشند که اکنون راجحی آن - حکم سپری اسنبلیسی را در میان روز رفر علیمه فثودالبیس و مسما و سفرار ردمود کارسی بورزوایش میباشد و دین لحاظ است که خرسده بورزوای در اسنبل دموکراتیک سپری و اسلامی محسوب میشود.“

از زندگان شارعه صفحه ۸ تا کنیدار ماست) و
”بهرحال با استقرار حکمیت معاشر سرمایه -
داری و درهم تکنسن ستو فقرات فشود ایسمیم پرداز
رفورم صدا نفلاتی ۴۲ و رتدویسیع اما منحط سرمایه
داری و در عین حال کسترش همه جا نیمه ایجاد با زار
و معاشر کالاشی سکی از عمل ایسکه خرد بورژوازی
محمد طبیعی برولترا ربا در اتفاقیابی محروم میشند
- یعنی می رزه مشترک بر علیه فشود ایسمیم - از
معاشر معمولی ها که در نظام اسلامی دارای

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

تّوام است می‌ارزات خوده سورژوازی سرّ علّه
قدرت سیاسی حاکم‌ورشتوسعه‌با فن‌ویرآمدیده‌امید.

و این می‌ارزه خرده سورژوازی سنتی برخلاف
نظرورمندگان اسا سانه‌بعلت "با شن آمدن سرخ رشد
افتراضی خوده سورژوازی سنتی" سلک‌ما ره‌سرازی
بعا و جلوگیری ازورتکستی و مقابله‌با سرموده‌محمر
همه‌جایه‌ارتحا عنی ندرت حاکم است.

بنوی رزمندگان در ارزیابی از خرده سورژوازی مدرن:

رزمندگان غیرغم‌برخوردش به خوده سورژوازی

● در رسانه‌ی تئوری رزمندگان در پاره‌ساخت سرمه‌یده‌داری و بسته‌ی پران خوده سورژوازی مرقه‌ستنسی،
بدار غلبه‌داستن رشوه‌تولیده سرمه‌یده‌داری در پران واژه‌ان ساله‌ای ۴۱ به‌یعنی در پران و بسته‌ی پران خوده و حدت‌آن با سرمه‌یده‌داری و بسته‌ی پران خوده و سرمه‌یده‌داری و بسته‌ی پران خوده است.

ستنی در مردم خوده سورژوازی مدن بدون تکمیل
تما بزلابه‌های مختلف آن آهارا خرده سورژوازی
ستنی فقیرتندیک کرده و پذیت ایتدورا با سرماده‌داری
بیکان و بهپرولتا ریا نزدیک می‌بیند.

"رزمندگان" می‌نویسد:
"... دوران خوش آمیزی سیاسی خوده سورژوازی مدن
- که خواسته‌های آن از لحاظ خدیت با سرماده‌داری
به‌یعنی شفیع دست خوده سورژوازی سنتی نزدیک
بود، با سخت مرقد خرده سورژوازی سنتی - که هر آن
دورنمای سرمه‌یده‌دارشدن را در پیش‌بینی چشمداشت -
نمیتوانست دوا مجدد ای سی‌ورد..." (رزمندگان
شماره ۸۴، مقدمه ۱۶)

و چنین استدلار می‌کنندکه:
"تردیکی خواسته‌ای بخش شفیع دست خوده سورژوازی
ستنی به‌خواسته‌ای خوده سورژوازی مدن بدان
سبب است که‌وا ولا خوده سورژوازی سنتی فقیری به
خرچها چوب غیرودسته‌باشد که خوده سوره‌سو-
لنا ریا سزدیک بوده و ظلم تخلّق فنا سرماده‌را به
طرق مختلفی چند، تا سیخ خوده سورژوازی مدن
نیزیده‌لیل دن‌شن علّه‌های دو تولیده و توزیع
کالا و سطورگلی دن‌شن چشم‌انداز سرماده‌داشتن
نزدیکی و پیوونت مستقیمی با منا سیاست سرماده‌داری
نداروین هردوگر و بیرونی هستی نتندرگزار
بکدیگر و نتخت شما ره‌اش سرعلیه‌نطا سرماده‌داری
و باسته‌گردهم‌ای بند" (رزمندگان شماره ۸۴، مقدمه ۱۶).

انجیا ست که‌گراش تروتکستی ساگراش روز
- بونیستی خروشچی بیکدیگر نزدیک شدده‌ور
رزمندگان بهم می‌بینند. "رزمندگان" که‌خوددرنوتنه
- ای، بدرستی بدگراش راست حمله‌کرده و می‌گویند
که نمیتوان خوده سورژوازی مدن را "پرولتا ریا"
فکری "نا میدوچنیں کاری را ترفنده‌واران روزیز-
بیونیستی خروشچی و وسله‌ای برای توجیه "را هرشدغیر
سرمه‌یده‌داری" میداند، خوده‌طريق دیگری به‌این دام
می‌افتد.

ما ازا این رفنا می‌بریم آبا دولت منتمکزومانش
دولتی ظلم و سوره‌کراش کمترده‌ای ز مختنات نظماً
سرمه‌یده‌داری و باسته‌نیست؟ با بخش عده‌ای از خوده-
بورژوازی جدیدرا کارمندان دولت تشكیل نمیدهند
که هر روز هم‌شدادن بیشتر می‌شود؟! اگر این نظرور است

ستنی فضای می‌سیست سرماده‌یده‌داری و باسته‌ی طوره‌قابل توجهی
دچار رورتکستی شده‌ونا بوده‌می‌شوند. بدین ترتیب آیا

نمیتوان گفت که همراه در سرماده‌یده‌داری و باسته‌های خوده-

بورژوازی سنتی سیز عموماً بصورت زا شده و مکمل سرماده-
یده‌داری و باسته‌های سرماده‌یده‌داری و باسته‌های خوده-

سوان مدعاً بودکه "فرایش دا منه خوده سورژوازی سنتی"
عدمدا و شا بد مطلقاً در رابطه‌تکنیک با اقتضای

سرمه‌یده‌داری و باسته‌های سرماده‌یده‌داری کلیک‌مان مانه، جراحته‌ی

در جوامع سرماده‌یده‌داری کلیک‌مان و میریا لیستی نیز
چنین نموده است و باشکه‌ی گذرا به‌واعیت های

اقتصادی و اجتماعی جامعه و جنی اماره‌ای ریزی-
گذشتگرها حتی نمیتوان دیدکه در جا مده‌ما نیز جنی

نمیتوان واعیهای عینی و این آماره‌ای بوضوح سرعت

سرمه‌یده‌داری و باسته‌ی نمیتوان را شده و مکمل سیستم
نمایش آن و سما کمترش باقت ... افزایش دامنه

خرده سورژوازی سنتی مرقه‌که‌شادودی شردار اش
و وجوده لجه‌ی رونق نمی‌افضا در سرماده‌یده‌داری و باسته

صورت گرفت عدمنا و شا بد مطلقاً در رابطه‌تکنیک با
با اقتضای سرماده‌یده‌داری و باسته‌های سرماده‌یده‌داری
در کارهای رامه‌را تی خوده سورژوازی سنتی

عموماً که‌دیسانه روح‌جوساس با زا رسوده‌نش مهیی
داشت" (رزمندگان شماره ۸۴، مقدمه ۱۶).

آیا چنین تحلیلی درست است؟
میدانیم که رشد و توسعه سرماده‌یده‌داری همیشه

ورتکستی خوده تولیدگشته‌گان و قرورشندگان حمزه
ورانده‌شدن آنان را به مفهوم پرولتا ریا بهمراه خود

دا روده‌های شمرک‌رسولید سرعت این افراد را

گیرید. ما وضیعت درجا معاًی سا ساخت سرماده‌یده‌داری

و باسته‌چوکه‌ی است؟ ادرجه‌نین جوا معی و در آن شاهه‌های

از اقتضای دکبیزه سرماده‌یده‌داری امیریا لیستی و سرماده
انحصاری و باسته‌های ردمیشود و با خا طرسودکلان کالا -

های مشاهده‌خواهی طورلچا مکبخته‌ای وارد می‌گردد،

ورتکستی خوده تولیدگشته‌گان به‌را اثب سریعت‌سراز

دوران رسدرمه‌یده‌داری کلیک و با جوامع امیری-

به‌یعنی هوا ده‌بود، چرا که اتفاق بسرفتاره‌های

اقتصادی ناشی از عدم مکان رفاقت برای خسarde

تولیدگشته‌گان و در هم‌شکستن آنان رسفتاره‌ای سرین

رفاقت‌های شدید، جبر غیر اقتصادی، سلطه‌نا حسما را

اعمال دیکتاتوری عربان که‌ا زیوی دولت و باسته‌های

امیریا لیستی، بخوان مدفع منافع سرماده‌یده‌عالی امیر-

به‌یعنی سرماده‌یده‌انحصاری و باسته‌درجه‌تخت حفظ منافع

این سرماده‌یده‌ها و این من شرایط لازم‌های ای دچار افول

شده‌بود، مجدد شعله‌ور ساخت" (رزمندگان شماره

۸، مقدمه ۱۳ تا کیدا زمان ۱.

بدین ترتیب و با توجهی نقل قول فوق گوشه‌ی

که استقرار سرماده‌یده‌داری و باسته‌های خاطرتوسعه‌بیش از

بیش جیهه عملکرد سرماده‌های امیریا لیستی سرماده

کسب سود فوق انتشاره‌ای تحت سلطه‌بوده و مختنات

امیریا لیستی بهکشواره‌ای تحت سلطه‌بوده و مختنات

و بحران اقتصادی در شرط‌جهانی امیریا لیستی فقط

در شکل ادواری و حاده‌ان بهکشواره‌ای تحت سلطه‌ منتقل

نمی‌شده‌واین بحرانها داد و مان انتقال نمی‌باشد

که انتشار رات از همان ایندیابراین جامعه‌چنگی‌شاند اخته

بودند و استقرار و عملکرد ساخت سرماده‌یده‌داری و باسته

بطاره‌نا انتشاره‌ای و نیازهای آن بختنی ساقی

از خوده تولیدگشته‌های و سی سرماده‌یده‌عالی

بسی نظری و رشکت می‌گردد، بدیلیل حاشیت سرماده

مالی امیریا لیستی و مقتضا و نیازهای آن سر

چکنگی حرکت و با زنولیدکل سرماده‌یده‌عالی

از رشکت اضافی ساز هم‌زمینه‌های و سی سرماده‌یده‌عالی

خرده‌که‌لاشی تحت استنما رشدید و تیمیت صورتی کاراز

سرمه‌یده‌مالی و انتشاره‌ای و استنما جان بختنی ساقی

بیمانندیدون اینکه‌حالی آنها زنولیدکل سرماده-

داری طوره‌جای‌بیه‌جا یگزین گردد که این امر جیزی

جزتی‌نیزه عملکرد و گرایش سرماده‌یده‌مالی امیریا لیستی

سرای کسب سود فوق انتشاره‌ای نیست. اما این بخشنها

نیزکه‌ای از انتشاره‌ای و روزی‌شدا میریا لیستی - خسرمه‌یده‌داری و باسته

در راه‌نمایی و تندیدن انتشاره‌ای و توزیعه‌بهران کارز

هر بحران اقتصادی در کشورهای امیریا لیستی و باسته

انتفال این بحرانها جوامع و استنما تبدیل

سخن وسا شل خود خیلی دد سکا رسید. کامیست که علاوه بر بدنه دنار مردم با نما موسایل بی بان خود به سینکرا ان هجوم رسید. ولی اگر معلوم شود که معاون آنها علاوه ای نیست و سوا اش آنها نا اساسی آنهاست آنوقت گناه آن را پاگردان سقطه کران خیانتی ای است که مردم یکها رچرا به ای ایوان از اردوهای منحاص مقسم میکنند، با ایشان چنان معیت پیدا کرده بود و جناس اجلوی چشمش ساریک شده بود که نعمیتو ایست خیر خود را در هدفها ی با کار دموکراسی تخفیف دهد، با همه چیز بر بخار چرخشات اجرای کار عقیم شد و دنوبا ایستگاهی که تمام دفعه پیش میتند شد، این با رئیس مرادی بسا آورد و سپه تدبیر دموکرات یهمان اند از که هنگا موروده خود بورزوایی بعنی خدادان با کار را نمیزد و شنید

بسیار خوب می‌دانم، فقط شدن علاقه‌مندی در تولید و توزیع گازها را دارم، این دسترسی‌ها را دارم و تولید گازها را با همکاری با شرکت نفت ایران انجام می‌دهم.

وشنین ادا مهدد؛
”وا ما زندنیال استشنا وگران سرمایه دار رضوه
و سعی خرد بوروزا زی کشیده می شود، که تجزیه شنا ریختی
دهها ساده سما مکشورها در برابر روی نشان میدهد که
چگونه این نموده مردد و متغیرل باست، بوروزا زندنیال
پروولتاریا میرود و فردا آزاد شو ریبا ای انقلاب می هراسد
و از خشتن شکست، بایمه شکست کارگران دجارت سیمکی می شود،
اما بیش به رعشة من افتاد، خود را به این سوران سو-
میزند، ندمده روزی میکند، از اردوگا که به اردوگا
دیگر من کریزد... ما نند منشویکها و اس ارهای ما“
(انقلاب پروولتاری و کار توشکی مردم، منتخب آثار
پکجلدی صفحه ۴۳۸ - نشنین ۹).

غرض از اوردن نقل قولهای موقع این بوده است
چندیده موژن ما رکسیم را در باره مهمترین خصوصیات
خرده بورژوازی ذکر کنیم و برخلاف مادا هان رونویسی
خرده بورژوازی و روفردا آن شرارت چاپی (روپرتویستی)
را در شنبه‌گیریها بدآوری "شنا دهم" که خرد بورژوازی
بخار طراحت طبقاً علیه خوش و بخار طرشوهای که بطرور
اجتناب نماید پذیری خواهد کشیده‌رجل تفاصیلی دارد
قطع اصلی جامعه‌بکار رسبریتنه شناسه در هیج دورانی
نمایستگی رهبری انتقال دکارتیک را نهاده را لذتکشیده در
تلزلج، سا پیگیری، سانکاری ری و آما دکشن برای خاست
به آرمانهای پرولوتاریا سیز جای هیچ بحث و گفتگوش
نمیست، اما معموراً ملی بحث ما پرسا این مواد را می‌دانم
نمیست بلکه برسان افتخار رتفاق و خرد بورژوازی در
جامعه‌ما و تدقیق چکووکی برخورد کمونیسم‌ها آسان
در شراب ط و اداره مختلف است.
خرده بورژوازی مردمه‌ستی اسرائیل بخار طراحت
طبقاً نیت و موقعيت انسانی عی خوش هنرکردن اماده از
یکسان عمل نکرده و سخواه هدکرد، سیاست او همان شنیده
نمی‌روی اجتماعی دیگری ارتباط مشخص و مستقیمی با
موقعیت اجتماعی اور در شبها زره طبقاً نیت داشته و
جزای هوش این هدف پنداههای که همان بیشتر
نقلاً بیکار رود، محتوا آن همان که بوده می‌ماند:
تجددیده‌سای جامعه از طریق دکترا شک و لی تجدیده‌سای
رجهای رجوب خرد بورژوازی شی، فقط نهایی بدهی این پنداه
کوشه بینها نهاده را شدک‌گوی خرد بورژوازی بزی بدهی
مولی برای پیشمرده مقاومت‌دهنده‌ها خود خواه هن خسود
می‌کوشد، بر عکس ا و معتقد است که شراب ط خارجی رهائی اش
در عین حال همان شراب ط عامی است که نهاده جامعه
نمایم رواج این از می‌زده طبقاً قطعه دچاره رجوب
آن می‌رسد خواهد بودیو... ولی دموکرات‌را آنچه این
نماینگان خرد بورژوازی نمی‌سینا نگر طبقه سیاسی است
ندر آن منع دوطبقه بردنگی خود را از دست میدهد،
که بیندازد که مولا م اتفاق شنا خفات طبقاً قرار
ارد دموکرات‌ها تهران‌شکه علیه آنها طبقه منتسازی
نیز و دارویلی آنها به اتفاق مجموع قشرهای دیگر
سلت، مردم را تشکیل میدهند و آنچه که بدهد فاع از آن
نشغول‌دیده مردم است آنچه که در آن دیده‌شده‌منا فیض
بردم است. به اینجهت لزومنی نمی‌بینند که در آستان
سیاست راهی که در بینیش است به پرسی اتفاق نمایم و امواج
طبیقات مختلف پیدا زند. لزوم، نمی‌بینند که در

پس چکونه میتوان گفت که خرد سوزن و زواری مدرن بیوه معتقدی با مناسیبات سرمایه بدادری ندا رد؟ با رشد سرطانی سورکرایی که خاص سلطه سرمایه بدادری داشت به معنی گسترش هرچه بیشتر خرد سوزن و زواری جدید نمیتوشد؟ اما فهریا بن آینا افزایش شده دستکشیمین ها، فورمتهای سرکاری کرنا، حسابداران، فروشندهای فروشگاهی همیزگ و ...، محصول سرمایه بدادری امیریا لیستی و بالطبع سرمایه بدادری و استندنیستند؟ با افزایش شده دادین یعنی یکی از دلایل اشکلی بودن سرمایه بدادری اصحاب راز نمیتوشد؟ با گسترش آنها هم بیوتد معتقدی با سرمایه بدادری و رشد آن درجا معمنتارد؟

شما که معتقدید:

"این بخش جدید خرد بیوروز وا زی از لحاظ طبقه‌بندی با سایر بخش‌ها خود بیوروز وا زی تفاوت مهمی دارد که همان نداشتن مالکیت نسبیت به وسایل تولید و توزیع می‌باشد یعنی آنکه این بخش جدید خرد -۴- بوروز وا زی را سایر مقوله‌ها لکیت شمیتوان طبقه‌بندی نمود و آنرا فقط بنا بر اساس زمان اجتناسی عی کارو توزیع شروع میتوان طبقه‌بندی کرد" (روزمندگان شماره

• (١) •

پرچار و تبلیغ می‌نمایند. فقط اینها معملاً رها استفاده نمی‌کنند؛ مگرنه این است که از جمله معملاً رهای سیمیر طبقات و اقشار از پذیرگیر میزان سهمی است که هر کدام از آنها را شرتو اجتماعی در اختیار می‌گیرند. آنها چنگوشه میتوان مثلث خرد بورژوازی بر طبق حقوق کلان سهم مسراحتی داشتند. راهکار از کسانی که در برابر این میزان را می‌گیرند، از پرولتا ریا و خود بورژوازی شهی دست است از شرتو اجتماعی می‌برد؛ از لحاظ خواسته‌ای خدسرایه داری (بمعنی روابط و سلطه) که این میزان از شرتو اجتماعی فقط به لحاظ وجود چنین روابطی میتوان به این معنویت ارزیابی کرد؟ پس از اینکه روزنده‌گان " فقط " تداشتن علقمداری در تولید و توزیع کار لامادل خدمت‌سازی بدآری بودند و نزدیک بودند به پرولتاریا است و گویا علاقه‌رسانی بدآران به تولید و توزیع کار فقط برای آن نیست که این تولید و توزیع محصولات برای آنان امکانات دریافت سهم بیشتری از شرتو اجتماعی را فراهم می‌ورد. چرا که اگر بر سلطه‌گران اینجا استدلالی و ساییک چون خشم‌خواه بورژوازی مدرن را " قدرسما" به داری " سیمیرگرد" در عین حال این رفتار و فتن بسوی بورژوازی و در رواج بورژواشن را مادل سرمایه‌دار ندان میگیرند و معتقدند که چون خرد بورژوازی سدنون چشم‌انداز سرمایه‌دار دشمن شدمیتوانند بسوی

بوروزوازی برود سیووندستینگمی با سرما پسنداده از
ندازه و نزدیک به بروولتا ریا است، ششم هله لایه هایش با
باشد از این رفاقت پرسیده که آن طبقه بوروزوازی فقط از
سرما بهداران تشکیل شده است؟ با نسبتی و بوروزوازی
ندبودن اینکه سرما بهدار برود؟ ظاللب نشان می
دهد که استفاده از رزمندگان از روی بیوستهای خروجی
برای خود این رفاقت مروم شده و از پذروانش تقدیم
اطمینان بوده است، اما نتیجه های که میتوان از ازترهای
مشتمل بر زرمندگان مینیم بمنزدیکی کل خردنه -
بوروزوازی مدرن با بروولتا ریا از لحاظ درسرا پسنداده
اری بودن! گرفت (که) البته نتیجه اجتناب ناپذیر
تحلیل این رفاقت (و آنرا به بروولتا ریا توصیه
نموده ام است که:

پیش بسوی سویالیسم بهمراه خرد، بورژوازی نهاد سنت خود را تو زای مدرن (که) البته شا مل خرد، بورژوازی

نکته توجه داشت که بیوتوس اوسه خدا نعلان و همکار است با ارتعاج نیز متناسب است با شرایطی که مکان شا مین منا فعنه را در کدا ما ردوگا سخن‌نمور کند و برایش درگ را این مطلب غیرممکن است که هیچ‌گی از این دواردوگا متفاوت اور آن‌طوره که عوشن مخواهد شد خواهد داد که به "حریم‌مدنس لامکت خصوصی" از سوی پروولتا ربا "تجاویز" صورت گیرد، و همین موقعیت اجتماعی - اقتصادی و محا ورت و زردیکی بایبورزی و از در چونگی سپاههای متذکر از سوی اوتا شی - فروع العاده‌ای داشته و خواهد داشت، بنا برای

خواهد داشت. این فشراج‌نمایی از یک طرف مذاقمع
تولیدکالا لاثی خود را رسیدگرستا بستگر مالک است
خصوصی و باطنی هوا دارد رپروپا قرق سیستم سرمایه است.

داری است. اما همان تطور که قبل از خردمندی بورزوای مرده منتنی نیز تازماتی که زیرفتار سرمهای مالی

رزم‌نگاری معتقد‌شده‌گاه چون خردمند بورزو و آری مدرن چشم‌آشنازی‌های داده شده‌اند تا نسبت به اینها بسیار بزرگ‌تر باشد، بجهات مقتضیهای سازمانی و اداری که در این راستا ایجاد شده‌اند.

متناهی س با رشد می بازد طبقاً نتیجه این رشد می بازد می تواند می خواهد کرد .
برولوتان ریا درجه تازل ز و سازش کاری اورده با رزمه با
سرمه به مالی امیره بیانی و سرمه به احصاری و استه
رو و سیاهی سیاه سیستم دگار رنگ کوکوئین شده و شدت می باشد
او از آن عده دهانه ای داشتند میگفتند اما با بدیده ای می باشند

بزرگ سرخه ده سوز و زاری را در سرمی بپروانند آزرسی
که هیچگا عملی نخواهد شد. آبته شبا سستی فرا موش
کرد که خود سوز و زاری مرغه سنتی را بلطه تکانشگی با
سوز و زاری متوسط داشته و نندا و دوزم را تقدیمی
کنندگان سرمایه داری را بست و اگر بتخواهند هر گذازه



پیش بسوی ایجاد حزب طبقہ کارگر